



مرتضی محمدپورا شاید کشور هند به جمعیت، سینما یا مشاهیر استعمارستیز آن شناخته شود، اما واقعیت این است که بیش از ۵۰ میلیون شیعه اثنی عشری ۲۰۰ میلیون مسلمان اهل سنت علاقه مند به اهل بیت^(ع) در این کشور زندگی می کنند و فقط در یک نمونه از مصادیق اسلام خواهی این ملت، همین بس که بدانیم در ۱۰۰ مدرسه و حوزه علمیه هندوستان، افزون بر ۳ هزار طلبه مشغول تحصیل علوم حوزوی هستند. همین اشتیاق و اراده در بین علمای مسلمان هندوستان، بهانه ای شد تا ظهر روز گذشته، دفتر نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی، میزبان هیئتی از علما و رؤسای مدارس علمیه هند باشد.

● نهضت مهدوی به نوکر نیاز دارد

آیت... سید احمد علم الهدی در این دیدار تأکید کرد، خدمت به دین، زمانی به کمال و بلوغ می رسد که فرد، نوکر به روز حضرت باشد و به عبارت دیگر، به درد شرایط حال امت بخورد، بنابراین از این دیدگاه، شاید بتوان گفت که ممکن است از نظر وجود اقدس امام عصر^(عج)، گاهی اوقات یک طلبه سطح مقدماتی از یک عالم برجسته شأنیت بیشتری داشته باشد، زیرا او متناسب با زمانه حال و شرایط موجود، خدمتی را به دین عرضه می کند که سایرین از آن غافل هستند. وی بیان کرد، اقتضای نوکری در این آستان به میدان داری در عرصه ای است که پرچم ولایت اهل بیت^(ع) و معارف دینی را در عصر حاضر بلند کرده است و اینجاست که اهمیت صیانت از انقلاب اسلامی، موضوعیت پیدا می کند، زیرا منطق باور به ظهور و معنویت مبتنی بر ولایتمداری، دوماطقی است که به برکت انقلاب اسلامی جهانی شد تا هر که از دوست و دشمن در هر گوشه از این عالم، چشم به ظهور داشته باشد و مهدی صاحب الزمان^(عج) را در کانون توجه و تحلیل خود قرار دهد. عضو شورای عالی حوزه علمیه خراسان تصریح کرد، در شرایط کنونی، هر که در جهت ترویج ارزش های مبتنی بر نهضت حسینی و دولت مهدوی بکوشد، بیش از سایرین سربازی کرده است و مشمول عنایت وجود اقدس امام زمان^(عج) خواهد بود.

● هر مدرسه علمیه، اردوگاه امام زمان^(ع)

آیت... علم الهدی خطاب به رؤسای مدارس و حوزه های علمیه هند گفت، برادران عزیز! فرصت مدیریت مدارس و حوزه های علمیه در خطه ای همچون سرزمین هندوستان با گستره جمعیتی و فرصت های تبلیغی را غنیمت بدانید، زیرا در موقعیتی که شما قرار دارید، هر مدرسه علمیه به مثابه اردوگاه بقیه...^(ع) است نماینده ولی فقیه در استان این راهم گفت که اگر امروز طلبه از فقه و اصول و کلام بهره مند باشد و سطوح عالی حوزه را یکی پس از دیگری پشت سر بگذارد اما از بینش سیاسی و تقید به انقلاب اسلامی بی بهره باشد، تلاش و مجاهدت او برای کسب علوم حوزوی ایتراست و راه به جایی نخواهد برد. وی ادامه داد، جامعه المصطفی العالمیه با زوری صادرکننده گفتمان انقلاب و یکی از شجره های طیبه ای است که به برکت انقلاب اسلامی شکل گرفت تا همراه مبنای دین و ارزش های تشیع، گفتمان انقلاب اسلامی را نیز به کشورهای عالم تسری بدهد، بنابراین نباید این مولود مبارک را صرفاً یک نمایندگی آموزشی محدود به جریان تعلیمی دانست.

یادداشت

به کجا می روم آخر؟



دکتر مهدی موصوی خراسانی

زندگی و امیدواری زیباست و می تواند پر از طراوت و شادمانی باشد و لذت های فراوانی را به کام انسان بچشاند و خالش را خوب کند. اما این، همه حقیقت خلقت نیست، کمی آن طرف تر که خیلی هم از ما دور نیست، واقعیتی به نام «مرگ» وجود دارد که در کمین انسان است، به او بسیار نزدیک است و هر لحظه بدون خبر و بدون درنگ، این احتمال وجود دارد که آدمی را دربر بگیرد و عمرش را به پایان برساند، زن و مرد یا پیر و جوان هم ندارد، حتی آدمی ممکن است در کودکی و زمانی که هنوز طعم زندگی را آن چنان که باید و شاید نجشیده است، جان به جان آفرین تسلیم کند و در فانی را وداع گوید. مرگ، خواست خداست و در این خواست، هیچ تردید و تاملی وجود ندارد و هیچ فردی، یاری مقابله با آن یا به تعویق انداختنش را ندارد. آن چنان که پروردگار در آیه ۳۴ سوره مبارکه اعراف می فرماید، «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْذِنُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَأْذِنُونَ، و برای هر امتی، اجل و سرآمدی است، پس هرگاه اجلسان فرارسید، نه می توانند لحظه ای [آن را] تأخیر اندازند و نه پیشی گیرند». در مواجهه با مرگ، انسان ها رفتارهای متفاوتی دارند. عده ای آن را انکار می کنند، گروهی از آن می ترسند، بخشی حتی حاضر نیستند به آن فکر کنند و دسته ای از انسان ها هم همواره مرگ را به یاد دارند و هر لحظه با اشتیاق در انتظار در آغوش کشیدن آن به سر می برند. شاید این جمله آخر، عجیب یا حتی غیرواقعی به نظر برسد.

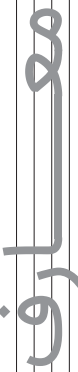
اما باید گفت که واقعیت دارد. آن ها که معنای درست مرگ را درک کرده اند و زندگی فانی دنیا را بر مبنای مرگ رودهنگام خویش برنامه ریزی و رفتارشان را با این دیدگاه، تنظیم کرده اند، نه تنها از مرگ هراسی ندارند، بلکه هر لحظه در اشتیاق آن به سر می برند، چنان که در دعای چهلم صحیح سجادیه به نقل از امام سیدالساچدین^(ع)، دعایی با این مضمون نقل شده است که حضرت می فرماید، «خدا یا! ما را از فریب آرزوها در سلامت دار و از بدی هایش در امان دار و مرگ را در برابر دیدگان ما مجسم کن و یادش را بر ایام گناهه مگردان!»، یا در کلمات امیرمؤمنان^(ع) آمده است، «وَأَلَّئِنِّي أَبِطَلْبِ أَنْشِ أَلْمُوتِ مِنَ اللَّفْظِ لَبَدِّي أُمِّي، به خدا سوگند، قطعاً علاقه پسر ابیطالب به مرگ، از علاقه کودک به پستان مادر، بیشتر است!»، البته این جمله بی تردید به معنای نفی زندگی دنیایی نیست، بلکه به آن معناست که آدمی برای این عمر کوتاه و جهان فانی، خلق نشده است و هدفی والا تر و کامل تر در جهانی دیگر دارد. از این رو باید همواره به یاد مرگ باشد و بداند که رفتار، گفتار و تصمیم هایش باید به صورتی باشد که علاوه بر تأمین هر چه بهتر زندگی در دنیا، آخرتش را نیز آباد کند، همان گونه که در حدیثی مشهور، دنیا به مثابه «مزرعه آخرت» توصیف می شود. یاد مرگ آرامش بخش است، مانع یکه تازی انسان می شود، سبب اصلاح رفتار است، مانع رؤیاپردازی بی اساس و مال اندوزی بی فایده می شود، موجب بهبود روابط بین آدم هاست و بشارت دهنده زندگی جاودان در جهانی دیگر و والا تر برای انسان هاست. پس، از مرگ نهراسید، آن را بشناسید، به یادش باشید و در لحظه موعود آن را با اشتیاق در آغوش بگیرید که انسان را همچون پلی به آن سوی خلقت در جهانی دیگر می برد. حسن ختام این نوشتار، چند بیته ای از مولوی است که در آن، تعلق وجود آدمی را به جهان ملکوت می داند و بدن و جسم و بدن انسان در دنیا را همچون قسمتی برای پرواز روح می شمارد که با مرگ و فروریختن این چارچوب جسمانی، انسان می تواند اوج بگیرد، تعالی یابد و به سوی ملکوت اعلی پرواز کند و در جوار رحمت حق آرام گیرد.

روزها فکر من این است و همه شب سخنم/ که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده ام، آمدنم پهر چه بود/ به کجا می روم آخر نمایی وطنم؟
مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک/ چند روزی قسمی ساخته اند از بدنم



شهرانه خبر
شاهارانه نیوز ایران
شماره ۱۴
تیرماه ۱۴۰۰
پنجمین سال

۱۴



بررسی فضیلت امیرالمؤمنین^(ع) در حدیث ردالشمس

معجزه های برای حضرت امیر^(ع)

آئمه مستقیم! حیات با برکت و متفاوت امیرالمؤمنین امام علی^(ع)، نه به گفته ما شیعیان که «عشق علی^(ع) با گل ما سرشته شده است»، بلکه به اعتراف پیروان دیگر مذاهب و ادیان و حتی دشمنان آن حضرت، سرشار از فضایی است که هریک بیش از پیش چرایی این همه دلدادگی به آن ساحت قدسی را آشکار می کند. از جمله این فضایل، «حدیث ردالشمس» است که تاریخ را با جلوه های دیگر از حقانیت علی بن ابیطالب^(ع) آشنا می کند. از این رو درباره جایگاه معجزه در مکتب اسلام، در سالروز وقوع این معجزه با حجت الاسلام والمسلمین جواد ابوالقاسمی، استاد حوزه و دانشگاه، گفت و گو کرده ایم.

معجزات به چه صورت رخ می دهند؟ واقعه ردالشمس که از آن به عنوان برگ زرین دیگری از فضایل امیرالمؤمنین علی^(ع) یاد می شود، چه جنبه ای دارد و آیا پیش از آن حضرت نیز چنین اتفاقی سابقه داشته است؟

از ویژگی هایی که خدای متعال برای اولیای خود اعم از انبیا و ائمه^(ع) قرار داده، این است که به دست آن ها معجزاتی رخ داده است. معجزه یعنی تصرفات خاص در عالم تکوین و تغییراتی در آن؛ برای مثال برای حضرت صالح^(ع) از دل کوه ناقه ای درآمد. برای حضرت موسی^(ع) دریا شکافته شد و برای حضرت ابراهیم^(ع)، آتش، سرد و گلستان شد. اما درباره ردالشمس و بازگرداندن خورشید و تصرف در غروب آن، پیش از امیرالمؤمنین^(ع) دو نقل درباره در پیامبر یعنی حضرت سلیمان^(ع) و نیز حضرت یوشع^(ع) آمده است. درباره حضرت سلیمان^(ع) در سوره «ص» آمده است که مشغول سان دیدن از ارتش خود بود تا اینکه غروب شد و برای آنکه کار به پایان

ردالشمس^(ع)

درباره امیرالمؤمنین^(ع)

چگونه رخ داد و چه فضیلت دیگری از فضایل ایشان را آشکار کرد؟

طبق روایات شیعه و برخی روایات اهل سنت، این واقعه در زمان خیبر یا در منطقه خیبر رخ داد، با این کیفیت که حضرت امیر^(ع) همراه پیامبر^(ص) بودند که حالت وحی بر ایشان عارض شد و در آن حالت نزول وحی، ایشان حرکت نکردند و به علی بن ابیطالب^(ع) تکیه کردند و مدتی گذشت و نزدیک غروب آفتاب شد. امیرالمؤمنین^(ع) برای آنکه هم نمازشان قضا نشود و هم حالت پیامبر^(ص) را برهم نزنند، نمازشان را به حالت اشاره خواندند تا اینکه نزول وحی به اتمام رسید و رسول خدا^(ص) پرسیدند: «علی جان! نمازت را خواندی؟» و چون حضرت امیر^(ع) بیان کردند: «خیر، به حال اشاره اقامه کردم»، پیامبر^(ص) فرمودند: «اینک از خدا بخواه که خورشید را به جای اولش برگرداند تا نمازت را در اول وقتش به جای آوری. خداوند دعای تو را مستجاب می کند، زیرا خدا و رسول او اطاعت کرده ای.» علی^(ع) دعا کرد و دعای او مستجاب شد و خورشید به محلی بازگشت که امکان خواندن نماز عصر به وجود آمد و آن گاه غروب کرد. این معجزه از شخصیت هایی همچون اسماء بنت عمیس، ام سلمه همسر پیامبر^(ص)، جابر بن عبدا... انصاری، ابوسعید خدری و عده ای دیگر از صحابه نقل شده است که خورشید برای علی بن ابیطالب^(ع) بازگشت. این روایت نشان می دهد که خدای متعال دعای امیرمؤمنان^(ع) را حتی برای اعمال تغییرات در عالم، اجابت می کند و آن حضرت در اطاعت از خدا و رسول خدا^(ص) به مقامی رسیده اند که دعایشان مستجاب می شده و عالم، تحت سلطه و اختیار ایشان قرار گرفته است.

برای آنکه چنین فضایل و معجزاتی برای نسل امروز جامعه باورپذیر باشد، چگونه باید تبیین کرد؟

در ابتدا باید نمونه های مشابه از تصرفات در عالم تکوین مربوط به زمان خودمان را بیان و مدارک موجود این تصرفات را عرضه کنیم، مثل زنده کردن مردگان و شفا گرفتن بیماران در حرم های اهل بیت^(ع) و خون شدن خاک کربلا در روز عاشورا، به این طریق، فضایل باورپذیرتر می شود و این نسل درمی یابند که عالم فقط آنچه ما می بینیم، نیست و به اذن الهی، به پشت پرده ها و دخل و تصرفات پی می برند.

باتوجه به آنکه معجزات در صدر اسلام و در زمان حیات بابرکت امیرالمؤمنین^(ع) رخ داده است، بیان و مرور آن ها برای جامعه امروز چه نتایجی دارد و چگونه باید تبیین شود و چه برکناتی دارد؟

ما با دو جنبه درباره ویژگی های اهل بیت^(ع) باید صحبت کنیم؛ یکی بعد اخلاقی و رفتاری آن حضرات، اعم از فضایل خوب و ارزنده و علوم آن ها و جنبه دوم آنکه به مردم بگویم اطاعت از خدا، ما را به چه جایگاهی می رساند. این فضایل بیان می شود تا مردم بدانند اگر از خدا اطاعت و در مسیر رضای او حرکت کنند، به چه جایگاه و مقامی می رسند. علاوه بر این، بیان این فضایل، راه را به ما نشان می دهد تا بدانیم باید از چه کسانی اطاعت کنیم و پیرو چه کسانی باشیم و دیگر سراغ هرکسی برای تبعیت نمی رویم.



حجت الاسلام والمسلمین ابوالقاسمی:
از آنجا که علمای اهل سنت همانند علمای شیعه، این فضیلت را برای امیرالمؤمنین^(ع) بیان کرده اند و ما و اهل سنت در این حدیث و اعتقاد به وجود این فضیلت برای امیرالمؤمنین^(ع)، در یک جبهه قرار داریم، دیگر ضرورتی ندارد که شیعه به دفاع از این فضیلت و حقانیت آن در مقابل ادعاهای بی اساس برآید.

باتوجه به آنکه

علمای شیعه، اهل سنت و

صحابه، این ماجرا و حدیث ردالشمس

را پذیرفته و نقل کرده اند، چه کسانی و با

چه ادله ای این حدیث را رد و انکار می کنند؟

فضیلتی که با حدیث ردالشمس ثابت می شود، از ویژگی ها و برجستگی های شخصیتی امام علی^(ع) است که هیچ کدام از صحابه رسول خدا^(ص) از آن بهره نداشتند و امکان جعل مشابه آن هم وجود ندارد، به همین دلیل است که این رویداد با طرح اشکالات بی شمار مواجه شده است و سعی می کنند این فضیلت بزرگ را زیر سؤال ببرند. این ماجرا همان صدر اسلام، محل توجه بوده است و علما و دانشمندان در رشته های مختلف فقهی و تفسیری با سند های مختلف، آن را نقل کرده اند و اگرچه علمای بزرگ اهل سنت از جمله سیوطی، عینی، ابن حجر عسقلانی و ابوزرعه رازی، همگی این روایت را معتبر دانسته اند، برخی علمای مخالف مکتب اهل بیت^(ع)، همچون ابن تیمیة تلاش کرده اند بگویند این روایت ضعیف است، درحالی که علمای بعد از ابن تیمیة و امثال او گفته اند این روایت در کتب بزرگان اهل سنت آمده است، پس چرا باید آن را منکر شویم؟ و آن را پذیرفته اند؛ برای مثال بدرالدین عینی می نویسد: «احمد بن صالح گفته است، برای علمای اهل سنت، سزاوار نیست که حدیث اسماء بنت عمیس را حفظ نکنند، زیرا این حدیث از بزرگ ترین نشانه های نبوت است. و نیز گفته است: حدیث ردالشمس با سند متصل نقل شده و راویان آن مورد اعتماد هستند و تضعیف این جویز نسبت به این حدیث، قابل توجه نیست» (عمده القاری شرح صحیح البخاری، ج ۱۵، ص ۴۳).

با وجود چنین تصریح و تأکید، علمای وهابی برخلاف ادعای اهل سنت بودن خود، در برخورد با چنین روایاتی، روششان متکی به آرای ابن تیمیة بوده است و به جای آنکه روایات معتبر اهل سنت را مدنظر قرار دهند و به وجود چنین فضایی اعتراف کنند، با استناد به روش و افکار ابن تیمیة، به تضعیف روایت پرداخته و بهانه جویی کرده اند. جالب آنکه دلیلی هم برای ضعف این روایت، مشخص نکرده اند و تنها کارشان، ادعای ضعف بدون دلیل معتبر بوده است و مهم آنکه علمای اهل سنت، خود با این رد و انکار، مقابله کرده اند. از آنجا که علمای اهل سنت همانند علمای شیعه، این فضیلت را برای امیرالمؤمنین^(ع) بیان کرده اند و ما و اهل سنت در این حدیث و اعتقاد به وجود این فضیلت برای امیرالمؤمنین^(ع)، در یک جبهه قرار داریم، دیگر ضرورتی ندارد که شیعه به دفاع از این فضیلت و حقانیت آن در مقابل ادعاهای بی اساس برآید.

حیات بابرکت امیرالمؤمنین علی^(ع) از زمان ولادت تا هنگام شهادت، مملو از معجزه است، مانند ولادت حضرت در کعبه آن هم با کیفیتی که می دانیم یا ضربت خوردنشان در مسجد کوفه درحالی که خطاب به ابن ملجم فرمودند: «تو قاتل من هستی» و... تمام فصل های بابرکت کتاب زندگانی مولای متقیان^(ع) و دیگر آئمه^(ع) را که بنگریم، سرشار از معجزه و ویژگی های منحصر به فرد است.

از این رو، بیان این فضایل به اثبات ولایت امیرالمؤمنین^(ع) کمک می کند و پاسخی است مستدل به آن ها که این ولایت را رد و انکار می کنند. از معجزات انبیا و اولیای الهی برای اثبات تصرفات تکوینی آن حضرات در عالم استفاده می شود، معجزاتی که در حرم ائمه^(ع) مثل مشهد و کربلا معلی رخ می دهد، همه بر آن دلالت دارد که خدای متعال به این افراد توجهی ویژه داشته است و ما نیز باید در تبعیت از آن ها توجه ویژه داشته باشیم.